



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
مجله علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی

سال نهم، شماره‌ی ۲۶
تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۷۰-۴۹

میرعلی شفیعی^۱

تحلیل ژئوپولیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران - هند

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۱/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۰۹/۱۳

چکیده

در دهه آغازین قرن بیست و یکم، تقاضا برای گاز طبیعی دارای بالاترین رشد می باشد. رشد فزاینده اقتصادی هند، نیازمندی این کشور به انرژی بویژه گاز طبیعی را افزایش داده است. از میان انتخاب‌های متعدد برای واردات گاز طبیعی، گزینه خط لوله زمینی ایران- هند مورد توجه مسوولان این کشور قرار گرفته است که با این روش انتقال خط لوله از سرزمین پاکستان در این پروژه ضرورتی انکار ناپذیر است. اما مساله این است که آیا همکاری‌های اقتصادی ایران، هند و پاکستان در قالب پروژه خط لوله گاز می تواند چالش‌های ژئوپولیتیکی میان سه دولت را به نفع منافع اقتصادی حل و یا تضعیف کند؟ برای پاسخ به این مسأله از روش توصیفی-

Email: ma shafiei @ yahoo. com

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

تحلیلی استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که دستاوردهای ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی هند، ایران و پاکستان در احداث پروژه خط لوله زمینی یکسان نیست و همکاری‌های اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند بازدارنده چالش‌های ژئوپولیتیکی میان سه دولت باشد. بنابراین نامنی، بزرگ‌ترین چالش پیش روی خط لوله گاز در سرزمین پاکستان است.

کلید واژه‌ها: ژئوپولیتیک، ژئواکونومی، ایران- هند، خط لوله گاز، پاکستان.

۱- مقدمه

اقتصاد، اساس شکل‌گیری قلمرو و مرزبندی‌های ژئواکونومیک است. از سال‌های آغازین سده بیست و یکم سه دولت ایران، پاکستان و هند در جنوب و جنوب غربی آسیا به دنبال تشکیل یک قلمرو ژئواکونومیکی^۱ می‌باشند. در این میان هند با رشد اقتصادی روز افزون به عنوان یکی از سریع‌ترین بازارهای رو به رشد تقاضا برای تولیدات انرژی در جهان پیش بینی می‌شود. از طرفی کشور ایران به واسطه موقعیت بی‌همتای ژئوپولیتیکی و ظرفیت‌های بالای ژئواکونومیکی، داشتن منابع عظیم گازی بویژه در کرانه‌های خلیج فارس دارای توان اثر گذاری بالا در مناسبات بین‌المللی در حوزه تولید عناصر انرژی در جهان و بویژه در منطقه مذکور است که این عوامل شالوده تشکیل دهنده قلمرو ژئواکونومیکی جنوب آسیا است. وجود دو کانون بزرگ تولید انرژی (منطقه خلیج فارس و بویژه ایران) و مصرف انرژی (هند) در این قسمت از جهان باعث شکل‌گیری اندیشه انتقال گاز از ایران به هند به وسیله خط لوله در دهه پایانی قرن بیستم شد. بر این اساس، برنامه ریزی‌ها و طرح پیشنهادی عبور خط لوله از سرزمین پاکستان ضرورت یافته است. اما وجود پاره‌ای مولفه‌های سیاسی و تنش‌های ژئوپولیتیکی و ایدئولوژیکی که به طور عمده با محور بودن پاکستان است، تاکنون احداث خط لوله گاز را با ابهاماتی مواجه ساخته است.

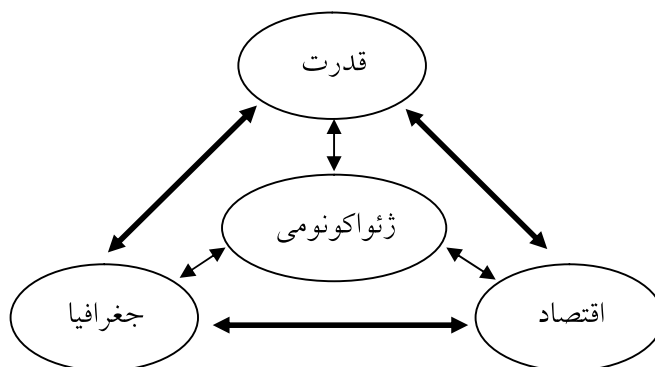
1- Geo-Economic Realm

مبانی نظری تحقیق

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپولیتیک روی داد، به گونه‌ای که ژئوپولیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت. لوتواک^۱ در سال ۱۹۹۰م. پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد (اتوتایل، ژپروید و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۸۹). وی خبر از آمدن نظام جدید بین المللی در دهه نود داد که در آن عوامل اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می شوند و عامل درگیری‌ها دیگر موضوعات دوران گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی خودنمایی می کند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۰۷). اما این به معنای حل و فصل بحران‌های ژئوپولیتیک و ایدئولوژیکی میان دولت‌ها و ملت‌ها نیست. زیرا بحران‌ها و اختلافات ژئوپولیتیک از پایداری و تداوم نسبی برخوردار بوده و به سادگی قابل حل و فصل نیستند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۲۸). بازیگران سیاسی و دولتمردان به تنهایی نمی توانند بدون پشتوانه ملی و مردمی ارزش‌های هویتی مادی و معنوی مورد اختلاف میان دو یا چند دولت-ملت را به نفع مصالحه اقتصادی تغییر دهند. حتی در صورت عملیاتی شدن این امر به وسیله حاکمان سیاسی، ارزش‌های از دست رفته در اذهان مردم باقی خواهد ماند و منشا بسیاری از نابسامانی‌ها خواهد شد. از این رو موضوع اقتصاد و بازرگانی به تنهایی قادر به حل این اختلافات نیست. تنها زمانی منطق تجارت قادر به اداره امور دنیا خواهد بود که با کاهش اهمیت برخورداری از قدرت نظامی، رقابت واحدها دارای ماهیتی صرفاً اقتصادی باشند. این قدرت‌ها هستند که سیاست‌های اقتصادی را در فضا (نظام جهانی) اعمال و رهبری می کنند و براینکه این فرایند ژئواکونومی است که به عنوان پدیده ای سیال جهت پوشش دادن به فضای جدید رقابتی در نظام جهانی و روشی برای توجیه و تحلیل سیاست‌های جهانی اکثر قدرت-های غربی درآمده است (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۵).

1- Edward N. Luttwak

ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و به نظر می‌رسد سیاست که عامل مهمی در ژئوپولیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (شکل ۱).



شکل ۱- دیاگرام ژئواکونومی (از مدل ژئوپولیتیکی حافظ نیا گرفته شده است)

اما این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپولیتیک و یا در برابر ژئوپولیتیک است، بلکه ژئواکونومی جزئی از ژئوپولیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپولیتیک در عصر حاضر می‌باشد.

مواد و روش‌ها

این تحقیق به دنبال آزمون و ارزیابی فرضیه زیر است که عبارت است از: همکاری‌های اقتصادی ایران، هند و پاکستان در قالب پروژه خط لوله گاز می‌تواند چالش‌های ژئوپولیتیکی میان سه دولت را به نفع منافع اقتصادی حل و یا تضعیف کند. اطلاعات مورد نیاز برای انجام تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری شده و سعی تا معتبرترین و جدیدترین اطلاعات آماری و غیرآماری از مراکز مطالعاتی بین‌المللی و منطقه‌ای استفاده شود. به منظور ارزیابی و آزمون فرضیه مذکور و تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق

از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

اطلاعات گرد آوری شده در دو بخش خلاصه شده است: ابتدا به چشم انداز انرژی ایران، هند و پاکستان در بخش گاز طبیعی و جایگاه گاز طبیعی در برنامه ریزی‌های سه دولت و سپس به سیر تحول خط لوله گاز ایران- هند پرداخته شده است.

چشم انداز گاز طبیعی و نقش آن در برنامه ریزی‌های سه دولت

- هند

نیاز فزاینده به منابع انرژی در هند ناشی از صنعت گرایی و شهرنشینی شتابدار است. در حال حاضر منابع تأمین انرژی هند ذخایر زغال سنگ داخلی و واردات نفت است. با کاهش منابع زغال سنگ و آلاینده‌گی این ماده انرژی زا، واردات نفت هند از ۴۰ درصد در سال ۱۹۸۶-۱۹۸۵ به ۶۶ درصد در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت. بودجه واردات نفت هند از ۶/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹ م. به ۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ افزایش یافت (The hindu, 2001). بنابراین رشد ۷۰ درصدی در پایان این دهه مشاهده می شود. این مقدار در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به مراتب بیشتر شده است. در نتیجه به طور عملی افزایش سریعی در کسری بودجه نفت در تجارت هند مشاهده شد. در حدود نیمی از رکود تجاری این کشور به کاهش واردات نفت نسبت داده شد. افزایش قیمت نفت دورنمای رشد اقتصادی هند برای رسیدن به نرخ رشد سریع ۸-۷ درصد را به تعویق می اندازد. هند برای رسیدن به نرخ رشد بالا و تداوم آن، نیازمند تأمین انرژی بلند مدت است. از این رو تغییر معنا داری در سیاست انرژی هند از اتکا به واردات نفت خام به وجود آمده است.

در این کشور میان انرژی و توسعه اقتصادی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اگر رشد اقتصادی به ۷ درصد برسد، نیاز به انرژی تا نزدیک ۱۰ درصد به طور سالیانه افزایش خواهد داشت. هند در حال حاضر حدود ۷۰ درصد از انرژی الکتریسیته خود را از نیروگاه‌های با سوخت زغال سنگ و در حدود ۲۰ درصد از نیروگاه‌های آبی، گازی، نفتی و هسته ای تأمین می کند

(South Asia Regional Overview, 2001: 20). به هر حال نشانه‌های رکود تولید زغال سنگ و نفت خام و برآورد افزایش مصرف انرژی بلند مدت هند نشانگر آن است که انرژی افزوده مورد نیاز را باید از منابع انرژی همسایگان استفاده کند. از میان راه‌های افزایش انرژی، منابع انرژی آبی و هسته‌ای قادر نیست با شتاب تقاضا برای انرژی برق به سرعت جایگزین زغال سنگ و نفت شوند، لذا هند گاز را به عنوان «سوخت برگزیده»^۱ برای انرژی برق آینده خود انتخاب کرده است.

توسعه اقتصادی سریع هند موج بزرگی از تقاضا برای گاز طبیعی به وجود آورد که زمینه ساز افزایش مصرف گاز طبیعی در هند است. پیش بینی می شود مصرف گاز طبیعی هند از ۲۸ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۲ به ۴۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ و به ۱۱۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۰ م. برسد که رشد ۵ درصدی تقاضا برای گاز، هند را در ردیف چند کشور برتر دنیا در این شاخص قرار داده است (IEA, 2004: 130). با توجه به این موضوع روشن است که گاز طبیعی سوخت مناسبی در آینده هند خواهد بود. اگرچه سهم گاز طبیعی ۷ درصد از مصرف انرژی در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ به حساب آمده است، اما تا سال ۲۰۳۰ مصرف گاز طبیعی، تا ۲۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. به هر حال منابع گاز هند محدود است و به طور شگفت‌انگیزی تقاضا برای گاز در این کشور افزایش پیدا می کند. تولیدات گاز هند فقط ۲۰۰۰۰ مگاوات برق می باشد که این ۲۰ درصد از نیازهای انرژی این کشور را تأمین می کند (Diwanji, 2000). هند برای مقابله با این کسری، مجبور به واردات گاز طبیعی از طریق خط لوله است. از این رو هند پیشنهاد خط لوله‌های گاز از کشورهای نظیر بنگلادش، ایران، عمان، قطر، میانمار و ترکمنستان را بررسی می کند. علاقه مندی هند به مقوله پروژه‌های خط لوله گاز متأثر از عوامل زیر است:

- ۱- هدف هند تنوع بخشی به سوخت به منظور کاهش نقش غالب نفت و زغال سنگ است.
- ۲- تنوع بخشی به منابع، هند را برای افزایش راه‌های تأمین انرژی ترغیب کرده است. از آنجا که بیشتر منابع انرژی هند از منطقه خاورمیانه است، هر تحول سیاسی خواه در خاورمیانه و

1- Fuel of choice

خواه در هند بر مشکلات امنیتی هند در بخش انرژی می افزاید. سیاست خاورمیانه ای هند در ۵۰ سال گذشته ایجاد اطمینان از ثبات جریان نفت بوده است. از آنجا که هند به کشورهای آسیای مرکزی به عنوان منابع جایگزین انرژی توجه دارد، کاهش وابستگی به انرژی وارد شده از کشورهای خاورمیانه را نیز مد نظر قرار داده است تا به این ترتیب تأثیر پذیری خود را از بحران‌های منطقه‌ای کاهش دهد.

۳- هند به دنبال استخراج منابع ارزان انرژی است. لذا برخلاف تجارت نفت که به وسیله سازمان اوپک تنظیم می شود، گاز طبیعی از چنین قاعده‌ای مستثنا است. بنابراین زمان زیادی در ثابت نگه داشتن قیمت گاز طبیعی در قراردادهای طولانی مدت وجود دارد.

هند تاکنون چهار خط لوله انتقال گاز را بررسی کرده (جدول ۱) که منشاء یکی از آنها در آسیای مرکزی است. هند در پروژه خط لوله بنگلادش- هند تنها مصرف کننده انرژی است و در پروژه‌های دیگر مصرف کننده نهایی می باشد. ثبات این پروژه‌ها به نقش مصرف کنندگی هند بر می گردد تا پایداری دراز مدت این پروژه‌ها تأمین شود. با اینکه هند گزینه‌های پروژه خط لوله زیادی دارد، اما خط لوله ایران توجه بیشتر زمامداران هندی را جلب نموده است؛ زیرا علاوه بر ذخایر عظیم و پایداری منابع گازی ایران، از تنگناهای اقتصادی و تجاری کمتری برخوردار است.

جدول ۱- خط لوله های گاز پیشنهادی به هند و پاکستان

شماره	نام پروژه	نام کنسرسیوم	مسافت km	هزینه میلیارد دلار	میزان انتقال گاز (BCF)*	مسیر
۱	ایران- هند	نامعلوم	۲۶۷۰	۵	۳/۲	نامعلوم
۲	قطر- پاکستان	پترولیوم کری سنت ^۱	۱۶۱۰	۵-۴/۵	۱/۶	دریایی
۳	ترکمنستان پاکستان	گاز سنت ^۲	۱۴۴۰	۱/۷	۲-۱/۵	زمینی
۴	بنگلادش- هند	یونکال ^۳	۱۳۶۳	۱/۲	۰/۵	زمینی

* (BCF) میلیارد فوت مکعب

- 1- Crescent Petroleum
2- Cent Gas
3- Unocal

- ایران

اگرچه ایران دارای دومین ذخایر تثبیت شده گاز جهان (۸۱۲ تریلیون فوت مکعب) است، اما درآمد سالیانه ناشی از فروش گاز ایران کمتر از یک میلیارد دلار می باشد (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۲: ۱۶۴). ایران تلاش می کند اقتصاد عقب مانده ناشی از هشت سال جنگ با عراق که در نتیجه آن صادرات گاز را به طور کامل برای ۱۰ سال متوقف کرده بود، بازسازی کند. ایران برای صادرات گاز به بازارهای بالقوه‌ای نظیر چین، هند و اروپا برای توسعه و تجهیز اقتصاد خود از طریق بهره برداری از ذخایر کشف شده گاز، برنامه ریزی بلندمدت کرده است.

اما صنعت نفت و گاز ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ با چالش‌های بزرگی مواجه بوده است. قانون تحریم ایران-لیبی^۱ یا داماتو به عنوان بزرگ‌ترین مانع در سرمایه گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران به حساب می آید. ایالات متحده برای رسیدن به هدف استراتژیکی خود در تأمین انرژی ملی و بین المللی، انزوای اقتصادی و ژئوپولیتیکی ایران را ضروری می داند. متأثر از انزوای ژئوپولیتیکی و تحریم‌های اقتصادی ایران، صنعت نفت و گاز طبیعی این کشور سرمایه و تکنولوژی لازم را جذب نکرده است. ایران در مقام کشوری با ذخایر عظیم نفت و گاز، به رغم دعوت مکرر از سرمایه گذاران بخش صنعت نفت و گاز طبیعی جهان تجربه موفق‌ی نداشته است. به دلیل نفوذ شدید آمریکا در آسیای مرکزی و خاورمیانه، بخصوص در دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر، اقدامات ایران برای اعمال نفوذ در دو حوزه فوق (خلیج فارس و دریای خزر) به نتیجه کامل نرسیده است (Nanay, 2001: 106). تقابل آمریکا و ایران در این خصوص و اعمال قوانین ایالات متحده، سرمایه گذاری در طرح‌های انرژی ایران را دشوار می کند.

ایران به جستجوی شریکی در خارج از منطقه برای بهره برداری از منابع انرژی‌اش تلاش می کند. ایران از طریق روابط جدید فعالانه تلاش ایالات متحده را در مقایسه با گذشته کم اثرتر کرده است. اگرچه قانون داماتو توسعه زیرساختی صنایع نفت و گاز ایران را تحت تأثیر

1- ILSA: Iran Libya Sanctions ACT

قرار داد، اما این قانون مانع جدی در تجارت منابع گاز طبیعی ایران نشده است. ایران برای مقابله با نفوذ رو به رشد ایالات متحده در منطقه و به منظور بازیافت نفوذ خود در منطقه، به دنبال شریک‌هایی برای تجارت ذخایر گاز طبیعی می باشد. تلاش‌های ایالات متحده برای مزوی کردن و کاهش نفوذ ایران در منطقه با توافق خط لوله ایران- ترکیه به طور چشمگیری کاهش پیدا کرد. قرارداد مذکور- صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه- در نتیجه اقدامات موفقیت آمیز ایران، تلاش‌های ایالات متحده در طراحی خط لوله گاز ماورای دریای خزر برای انتقال گاز ترکمنستان از طریق دریا به آذربایجان و سپس به ترکیه را بی اثر ساخته است.

صنعت گاز طبیعی ایران، برای صادرات گاز روسیه، قطر و ترکمنستان چالش‌های ژئواکونومیکی جدیدی را به وجود آورده است. کشورهای منطقه جهت مذاکره در خصوص پروژه‌های خط لوله گاز طولانی مدت وارد عمل شده‌اند که این موضوع خود زمینه ساز پروژه‌های رقابت شدید ژئواکونومیکی در پروژه‌های خط لوله گاز شده است. ایران به منظور صادرات گاز طبیعی مازاد خود به هند و عدم انجام پروژه بهتر از طرف عمان و قطر، روابط تجاری دو جانبه بلند مدت پیشنهاد کرده است. تدابیر مرتبط با امکان سنجی انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی به منطقه جنوب آسیا، تمایلات ایران در اجرای خط لوله را بیشتر کرده است.

ایران خواستار ایجاد سامانه‌ای چند قطبی با روسیه، چین و هند است. ایران معتقد است که ضلع قدرت ناشی از کناره گیری روسیه باید به وسیله کشورهای منطقه پر شود و خواستار حضور قدرت‌های منطقه‌ای چون هند برای جلوگیری از سلطه ابرقدرت‌ها در منطقه استراتژیک شد (Pandian, 2005: 665 & 666). در این باره ایران معتقد است که رابطه با دهلی نو یکی از کارآمدترین راه‌های تضعیف استراتژی ایالات متحده در برابر ایران است. ایران بر این باور است که دهلی نو می تواند نقش مهمی در شکست هژمونی ایالات متحده در منطقه از طریق مقابله با تحریم‌های ایالات متحده ایفا کند. علاوه بر آن تمایلات ایران و هند در ترانزیت کالا با کشورهای آسیای مرکزی از طریق بندرعباس به عنوان بندر وارداتی مشترک می باشد.

ایران تلاش می کند تا از فرصت‌های پیشنهادی از طرف اقتصاد نوظهور هند به عنوان یکی از

بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین بازارها استفاده کند. برای صنعت گاز طبیعی ایران، نیاز بازار هند به انرژی، موضوع کاملاً مشخصی است. اگر هند ۳۰ میلیون مترمکعب گاز روزانه از ایران بخرد، این میزان فقط ۱۰ درصد از تولیدات گازی ایران است (Takin, 1999: 27). به منظور احداث پروژه خط لوله گاز ایران- هند، حمایت‌های مالی زیادی برای بهسازی تأسیسات زیربنایی نفت و گاز همراه با سرمایه‌گذاری بیشتر برای تأسیسات جدید پیشنهاد شده است.

- پاکستان

افزایش تقاضا برای گاز در پاکستان، علاقه برای پروژه‌های خط لوله گاز از کشورهای همسایه ایجاد کرده است. بر اساس آمارهای BP^۱ در سال ۲۰۰۶ تقاضا برای گاز طبیعی در چند سال آینده با توجه به منابع محدود پاکستان به طور فزاینده‌ای پیش بینی شده است (جدول ۲). اگر منابع جدیدی در سال‌های آینده در پاکستان کشف نشود، نیاز به انرژی را فقط از طریق واردات می‌توان جبران کرد.

جدول ۲- تقاضای گاز طبیعی در پاکستان (بر حسب میلیارد مترمکعب در روز)*

سال	تقاضا	سال	تقاضا
۲۰۰۴	۶/۷۰	۲۰۱۳	۶۹/۵۰
۲۰۰۷	۱۶/۷۲	۲۰۱۸	۱۳۵/۴۱

Reference: <http://www.bp.com/statisticalreview/2006>

پاکستان برای تأمین انرژی مورد نیاز پروژه‌های خط لوله متنوعی در نظر دارد. در این باره پاکستان برای ایجاد پروژه‌های خط لوله گاز ترکمنستان- پاکستان و قطر- پاکستان تلاش می‌کند. پروژه خط لوله ترکمنستان- پاکستان به طول ۱۴۴۰ کیلومتر و به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار از حوزه‌های گازی دولت آباد ترکمنستان به شهر مولتان در پاکستان از طریق افغانستان، انتقال ۲-۱/۵ میلیارد فوت مکعب گاز در روز پیش بینی شده است (Pandian, 2005: 666). پاکستان

1- British Petroleum

موافقت خود را در مورد این خط لوله تا بندر گوادر جایی که تأسیسات صادرات گاز به کشورهای شرق دور فراهم بوده، اعلام کرده است. اگرچه این پروژه از لحاظ تجاری امکان پذیر است، اما تاکنون هیچ کنسرسیومی برای پروژه خط لوله «سنت گاز» به دلیل جنگ‌های داخلی، بی ثباتی سیاسی و ارتفاعات صعب العبور هندوکش در افغانستان وارد عمل نشده است. قبل از این قرارداد پاکستان پیمانی را با شرکت پترولیوم قطر در سال ۱۹۹۲ به منظور انتقال گاز از گنبد شمالی به بندر کراچی پاکستان امضاء کرده بود. بر اساس پیمان مذکور خط لوله ای به طول ۱۶۱۰ کیلومتر در کف دریا در امتداد خط ساحل ایران- پاکستان تا جیوانی در نزدیکی کراچی به ارزش ۳/۲ میلیارد دلار انتقال ۱/۶ میلیارد فوت مکعب در روز پیش بینی شده بود (Ibid). اگرچه پاکستان در آستانه امضای پیمان خرید گاز از قطر بود، اما به خاطر ضعف مالی و عدم اطمینان از تقاضای کافی رو به رشد، تکمیل پروژه در کوتاه مدت غیرممکن می نمود. به هر حال این پروژه نیز عملیاتی نشد.

پاکستان بر این باور است که افزایش تولیدات گاز داخلی با رشد کم تقاضا نسبت به پیش بینی دولت پاکستان، پروژه خط لوله گاز به لحاظ اقتصادی توجیه پذیر نیست، لذا کشور قادر نیست واردات گاز را جذب کند. علاوه بر آن ساختار موقعیت مالی ضعیف پاکستان، تأمین اعتبار برای پروژه‌های خط لوله را مشکل کرده است. پروژه‌های خط لوله نفت و گاز برای پاکستان توجیه اقتصادی نخواهد داشت مگر اینکه مقصد خط لوله، کشور هند که بزرگ‌ترین بازار مصرف جنوب آسیا برای گاز طبیعی است، باشد.

پروژه‌های خط لوله گاز مخصوص پاکستان نظیر ترکمنستان- پاکستان، قطر- پاکستان و ایران- پاکستان از لحاظ اقتصادی مناسب نیست. از این نظر پروژه خط لوله ایران- هند توجیه اولیه آن از نظر اقتصادی فروش گاز به هند است و پاکستان مشتری فرعی به حساب می آید. در اواسط سال ۲۰۰۰ دولت پاکستان تصریح کرد که اجازه می دهد منابع عظیم گاز ایران به وسیله خط لوله از طریق سرزمین پاکستان به هند ارتباط پیدا کند. پاکستان قادر خواهد بود از طریق این خط لوله حق ترانزیت و خرید گاز با نرخ ارزان را دریافت کند. سه عامل در پاکستان، دولت نظامی را برای تجدید نظر در دیدگاهش در ارتباط با پروژه خط لوله مجبور کرده است:

۱- میل پاکستان در بهره برداری از موقعیت استراتژیکی خود است. موقعیت‌های استراتژیکی پاکستان منفعت زیادی از این نظر که کشور گذرگاهی است بر تجارت آینده انرژی در منطقه خواهد داشت. از این منظر منزلت ژئوپولیتیکی این کشور افزایش خواهد یافت.

۲- منافع اقتصادی این پروژه پاکستان را وسوسه کرده است. احداث خط لوله گاز، ۱۴ میلیارد دلار در ۳۰ سال برای پاکستان درآمد ارزی دارد که از این درآمد ۸ میلیارد دلار از حق ترانزیت، یک میلیارد دلار از مالیات و ۵ میلیارد دلار از سرمایه گذاری می باشد. همچنین کسب انرژی ارزان برای تغذیه رشد صنعت عقب مانده خود مزید بر علت است. پاکستان فقط با ۳۹ تریلیون فوت مکعب ذخایر تثبیت شده گاز (BP, 2006) مجبور به واردات گاز از کشورهای همسایه است.

۳- احداث خط لوله عاملی برای جبران کمبود چاه‌های نفت پاکستان است. پاکستان مانند هند از کمبود چاه‌های نفت رنج می برد. کسب گاز ارزان از ایران و مشارکت در پروژه خط لوله، کشور پاکستان به راحتی می تواند بنیاد سوخت را برای نیروگاه‌های تولید انرژی خود تغییر دهد.

با توجه به منافع مهم ایران و پاکستان در پروژه، این دو کشور جدیت زیادی را برای احداث آن از سرزمین پاکستان نشان می دهند، اما هند برای ادامه همکاری بی میل به نظر می رسد؛ زیرا تهدید خط لوله در سرزمین پاکستان امنیت انرژی هند را خطر می اندازد.

- سیر تحول خط لوله گاز ایران- هند

پروژه خط لوله زمینی ایران- هند اولین بار در سال ۱۹۸۹ به وسیله علی شمس اردکانی سفیر وقت ایران در هند و راجندرا پاچاوری^۱، رئیس مؤسسه تحقیقات انرژی هند^۲، پیشنهاد داده شد. در آن زمان رابطه هند با ایران و پاکستان سرد بود و دو طرف با عدم استقبال پاکستان روبرو شدند. بعد از بحث‌های امکان سنجی پروژه خط لوله گاز در حدود ۴ سال، سرانجام

1- Rajendra Pachauri

2- Tata Energy Research Institute (TERI)

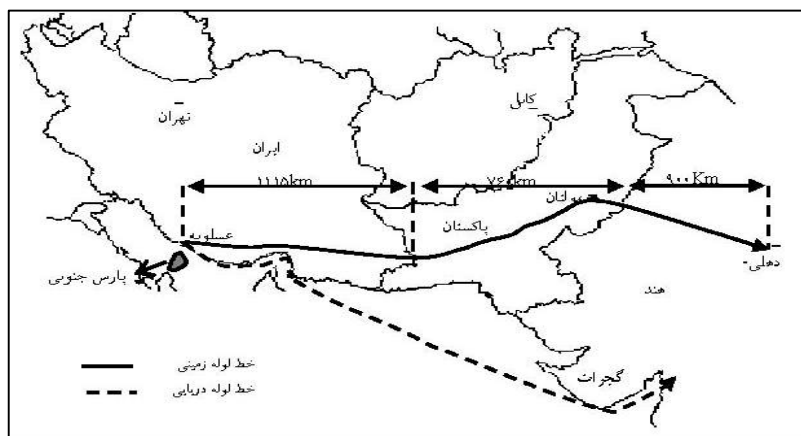
هندی‌ها در سال ۱۹۹۳ یادداشت تفاهمی با ایران به امضا رساندند. این تفاهم با کشف منابع گاز طبیعی در عمان و بنگلادش و توسعه سیاسی در میانمار مقارن شد. در سال ۱۹۹۴ هند با عمان توافقنامه‌ای برای ورود گاز از طریق خط لوله از بستر دریا امضا کردند که این پروژه به علت هزینه بری سنگین و ناتوانی عمان در تأمین نیازهای بلند مدت هند عملی نشد. اگرچه پروژه خط لوله گاز از بنگلادش و میانمار از نظر اقتصادی امکان پذیر بود و نیازهای کوتاه مدت هند را پاسخ می داد، اما نمی توانست پاسخگوی نیازهای انرژی بلند مدت این کشور باشد. به همین دلیل هند ترجیح داد گاز را از ایران وارد کند. تمایل هند به پروژه پیشنهادی انتقال گاز از ایران به هند بر این اساس بود که این پروژه می تواند به اهداف بلند مدت هند بسیار بهتر از دیگر گزینه‌ها پاسخگو باشد. همچنین نزدیک بودن و گستردگی ذخایر گاز، دلیل دیگری برای تمایل هند به گاز ایران است. ایران ۱۴/۹ درصد منابع گاز جهان را در اختیار دارد که با نرخ کنونی مصرف تا ۵۰۰ سال آینده کفایت می کند. نیاز به ذکر است که منابع گاز طبیعی عظیم ایران می تواند نیازهای گاز هند را تا ۲۰۰ سال تأمین کند (Takin, 1999: 27)

گزینه‌های پیشرو برای پروژه خط لوله گاز ایران- هند عبارت است از:

۱- خط لوله زمینی ۲- خط لوله بستر دریا ۳- خط لوله معلق در دریا (شکل ۲).
مسیرهای پروژه خط لوله با تدابیر راهبردی مشخص، امکان سنجی اقتصادی و فناوری پیچیده عملی است. برای هند صرف امکان سنجی اقتصادی کافی نیست بلکه پشتوانه مداوم گاز مد نظر است.

بنابراین روشن است که برای هند ثبات و امنیت پروژه خط لوله گاز، بسیار مهم‌تر از مشکلات اقتصادی و فناوری پیچیده است. این در حالی است که بعد اقتصادی طرح مذکور برای ایران در انتخاب مسیر پروژه خط لوله از جذابیت بیشتری برخوردار است. بر اساس مطالعه مؤسسه BHP^۱ انتقال گاز از طریق خط لوله برای هند ۱۰ میلیارد دلار در ۲۵ سال صرفه جویی اقتصادی به دنبال دارد (BHP, 2002: 15).

1- Broken Hill Proprietary



شکل ۲- مسیرهای پیشنهادی خط لوله گاز ایران- هند (Samson, 2004)

احتمالاً خط لوله گاز ایران بهترین گزینه برای تأمین انرژی بلند مدت هند است. هر چند هند در سال‌های اولیه به پروژه خط لوله گاز از طریق پاکستان علاقه مند بود و این در حالی بود که در سیستم اداری پاکستان بویژه از جانب ارتش و سازمان امنیتی با مخالفت مواجه شد. دولت‌های بعدی نیز دیدگاه خود را به دلیل ترس از تغییر اصول سیاسی که مخالف با عبور خط لوله از پاکستان بود، عوض نکردند. دلیل واقعی عدم اشتیاق پاکستان به حضور در پروژه خط گاز ایران- هند، اختلافات و تنش‌های ایدئولوژیکی و سرزمینی و چالش‌های ژئوپولیتیکی برآمده از آنها با هند بود. از این رو پاکستان نمی‌خواست که با اجرای پروژه خط لوله از طریق خاک خود عاملی جهت پیشبرد روابط دراز مدت ایران و هند و تأمین کننده منافع ملی دشمن دیرینه‌اش باشد.

پاکستان در سال ۱۹۹۵ اجازه نداد که یک مطالعه امکان‌سنجی در منطقه ویژه اقتصادی^۱ خود انجام شود. نیروی دریایی پاکستان مخالفت خود را با عبور خط لوله از منطقه ویژه اقتصادی که حدود ۱۰۷ مایل از ساحل فاصله دارد اعلام کرد؛ زیرا چنین خط لوله‌ای موجب حضور نیروی دریایی هند در آب‌های پاکستان می‌شد (Naaz, 2001: 235). به هر حال پاکستان

1- Exclusive Economic Zone (EEZ)

تحقیقاتی را که به عنوان بخشی از مطالعه امکان سنجی انجام می شد، متوقف کرد. به این ترتیب این پروژه در مراحل ابتدایی باقی ماند. هند با در نظر گرفتن اینکه با نیاز انرژی خود، نمی تواند در بند مشکلات چند گانه اش باشد، راه های جدیدی برای دسترسی به انرژی جستجو کرد. ایران با مشاهده عدم رغبت پاکستان به مشارکت در خط لوله ایران- هند امکان کشیدن خط لوله از طریق دریا و به دور از خاک پاکستان را بررسی کرد. همچنین پیشرفت های تکنولوژیکی لوله گذاری آب های عمیق که قرار دادن خط لوله در عمق ۲۰۰۰ متری را امکان پذیر می کرد، علاقه مندی ایران بر انتقال خط لوله گاز از مسیر دریا را از نو زنده کرد (True, 1999: 53).

انتخاب مسیر آب های عمیق جایگاه پاکستان را در مناسبات ژئواکونومیکی منطقه ای به چالش کشاند. انتخاب عبور خط لوله از اعماق دریا، پاکستان را از درآمدهای ترانزیت و دسترسی به گاز ارزان محروم می کرد. با اینکه بخشی از انرژی پاکستان به وسیله منابع داخلی تأمین می شود، اما تأمین نیازهای طولانی مدت این کشور نیازمند واردات گاز است. از طرفی خط لوله به مقصد پاکستان صرفه اقتصادی ندارد و رشد تقاضای پاکستان برای گاز طبیعی در دراز مدت کم است، لذا پاکستان باید به خط لوله هایی که به هند می روند، اتکا کند. در همین حال تغییراتی در سیاست پاکستان و دیدگاه های آنها در مورد عبور خط لوله از پاکستان به وجود آمد. از آنجا که اقتصاد پاکستان به دلیل بحران مالی رو به ضعف گراییده بود، ژنرال مشرف که قدرت را از طریق کودتا در پاکستان به دست گرفته بود، موافقت خود را با عبور خط لوله از سرزمین پاکستان اعلام کرد. پاکستان نیازمند به منبع مطمئن گازی از سال ۲۰۰۵ است، زیرا منابع داخلی از این سال به بعد توان تأمین نیازهای داخلی را ندارد (Siddiqi, 2000: 5). همچنین دولت نظامی پاکستان به پیشنهاد خط لوله ایران - هند با توجه به بی ثباتی سیاسی، ناامنی و ارتفاعات صعب العبور هندوکش افغانستان که اجازه نمی داد خط لوله ترکمنستان ساخته شود، علاقه نشان داد. بنابراین دولت نظامی پاکستان منافع اقتصادی برآمده از احداث پروژه خط لوله را بر منافع سیاسی ترجیح داد؛ اگرچه این تصمیم برخلاف علایق ملی و ژئوپولیتیکی پاکستان بود. پاکستان پذیرفت که زمینه های ترانزیت خط لوله زمینی را فراهم کند

و این پیشنهاد در تهران در حین بازدید مشرف از ایران در سال ۱۹۹۹ احیا شد. ژنرال مشرف و وزیر خارجه‌اش ستار این پیشنهاد را به عنوان موقعیتی برای از بین بردن تنش‌های بین تهران و اسلام‌آباد اعلام کردند (Raman, 2001: 26).

به دلیل روابط نامناسب هند و پاکستان پروژه عبور خط لوله ایران به هند از طریق پاکستان بارها با مشکل مواجه شد و از طرح‌های اولیه جلوتر نرفت. بعد از اینکه پاکستان علاقه مندی خود را در مشارکت خط لوله نشان داد، ایران تلاش کرد تا پاکستان را به عنوان شریک پروژه در نظر بگیرد تا ترانزیت با صرفه زمینی گاز امکان پذیر شود. این در حالی بود که هند مخالف تنش پاکستان در مقام شریکی برابر بود؛ زیرا ترس آن را داشت که به هنگام تنش نظامی با پاکستان سد راه انتقال گاز شود. ایران با توجه به عدم تمایل هند به احداث خط لوله ساحلی، علاقه مندی خود را به کشیدن خط لوله در اعماق دریا از بندر عسلویه به ساحل گجرات هند ابراز داشت، اما هزینه‌های گزاف و ضعف ساختار تکنولوژیکی و فنی، این پروژه را نیز متوقف کرد.

پروژه خط لوله گاز ایران- هند از لحاظ امنیت پروژه در سرزمین پاکستان، هند را نگران کرده است. اگرچه پاکستان ملزم به تأمین امنیت خط لوله گاز است، اما پاکستان از پذیرفتن نیروهای نظارتی هند بر خط لوله در سرزمین پاکستان سرباز می‌زند. لذا هند در این رابطه با پاکستان به طور احتیاط آمیز برخورد می‌کند. به منظور کاهش نگرانی‌های امنیتی هند در پاکستان راه‌های گوناگونی پیشنهاد شده است. پاچاوری^۱ مشارکت مؤسسات مالی از قبیل بانک جهانی^۲، بانک توسعه آسیا^۳، سازمان‌های مالی بین‌المللی و بخش خصوصی در سرزمین هر دو کشور هند و پاکستان را پیشنهاد کرده است (Pachauri, R.K., 2001). مقامات رسمی در پاکستان نیز مشارکت نهادهای مالی بین‌المللی به استثنای شرکت‌های نفتی بین‌المللی برای اجرای این پروژه طبق توافقات بین‌المللی که هیچ یک از اعضا نتوانند آن را نقض کنند را خواستار شدند

۱- رئیس مؤسسه تحقیقات انرژی هند

2- World Bank

3- Asian Development Bank

(Pandian, 2005: 663). همان طور که گفته شد، هند نگران امنیت طبیعی خط لوله زمینی است. لذا خواستار تعهد ایران است که اگر پاکستان در یک تعارض نظامی باعث توقف گاز در خط لوله شد، ایران بتواند نفت را به نرخ گاز برای هند تأمین کند. ایران در پاسخ به این موضوع، یک توافق سه جانبه بین هند، ایران و پاکستان با حضور سازمان‌های مالی بین‌المللی از قبیل بانک جهانی، بانک توسعه آسیا را به عنوان ضامن پیشنهاد کرد. ایران همچنین نظارت کنسرسیوم بین‌المللی برای جلوگیری از کنترل یک جانبه و قطع منبع انرژی در طی مشاجره سیاسی دو طرف را پیشنهاد کرد. در عین حال هند مانع از توافق بین ایران و پاکستان شد و پیشنهاد کرد پروژه خط لوله گاز به طور انحصاری بین تهران و دهلی نو باشد.

بحث

پروژه خط لوله گاز ایران- هند- پاکستان، پتانسیل‌های زیادی دارد. تکمیل پروژه برای هر سه دولت منافع مهمی در بر خواهد داشت. برای ایران منفعت پروژه در دو زمینه است. این پروژه نه تنها تلاش‌های آمریکا را برای به انزوا کشیدن ایران از نظر اقتصادی و ژئوپولیتیکی تقلیل می‌دهد؛ بلکه اقتصاد ایران به طور قابل ملاحظه‌ای توسعه می‌یابد. منافع پروژه خط لوله گاز برای هند همانند ایران طولانی مدت است. ایران با ذخیره عظیم گاز طبیعی توانایی تأمین نیازهای انرژی رو به رشد هند را دارد، اما هند از مؤلفه‌های سیاسی و ژئوپولیتیکی تأثیر گذار بر پروژه که منافع اقتصادی این کشور را به چالش می‌کشد، آگاه است.

روابط بین هند، ایران و پاکستان در گذشته پیچیده و متنازع بوده است. روابط ایران با هند در گذشته همانند پشتیبانی ایران از پاکستان در کشمیر در عرصه‌های مختلف بین‌المللی چندان خوشایند نبوده است. اما در عصر کنونی دیدگاه ایران برای حل و فصل قضیه کشمیر به دنبال راهی است که روابط هند با جهان اسلام تیره نشود. عدم ثبات در افغانستان و آثار آن در ساختار منطقه عامل مهمی برای همکاری ایران- هند می‌باشد. سیاست ایالات متحده در انزوای ایران باعث شد تا ایران به دنبال دوستان جدیدی در منطقه باشد. در این باره ایران به تقویت همکاری خود با هند برای خروج از این انزوا تلاش می‌کند. همچنین هند در صورت

تأمین نیازهای انرژی خود از منابع دیگر خلیج فارس نیازمند همکاری با ایران است. علاوه بر این ایران دروازه منابع غنی منطقه آسیای مرکزی است، در حالی که هند دسترسی مستقیمی به این منطقه ندارد. در این خصوص، مساعدت ایران برای ساخت کریدور شمال-جنوب کمک خواهد کرد که هند به جمهوری‌های آسیای مرکزی دست پیدا کند. اما توسعه روابط استراتژیکی بین هند و اسرائیل و ایالات متحده باعث نگرانی ایران شده است؛ زیرا مواضع ایران با هر دو کشور اسرائیل و آمریکا در تضاد است. از این منظر علایق ژئوپولیتیکی هند، در جهت عکس با ایران است. اگرچه اسرائیل و ایالات متحده با نفوذ ایران در خلیج فارس و جمهوری‌های آسیای مرکزی مخالف می باشند، اما بعید به نظر می رسد که هند برای کاهش نفوذ ایران در منطقه به اسرائیل و آمریکا کمک کند. تنش‌های ژئوپولیتیکی و سیاسی میان ایران با ایالات متحده و اسرائیل باعث شده که ایران از استراتژی هند در برابر هم پیمانان آن، یعنی اسرائیل و ایالات متحده ابراز نگرانی کند. بهبودی در روابط هند-اسرائیل و هند-ایالات متحده اثر مهمی روی روابط ایران-هند خواهد داشت. تلاش هند برای تجدید همکاری با ایران، اتحاد استراتژیکی خود را با اسرائیل و آمریکا به خطر خواهد انداخت. استمرار روابط هند-ایران به وسیله تغییر نگرش هند به اسرائیل و آمریکا سنجیده خواهد شد. همین طور روابط نزدیک بین ایران و پاکستان متأثر از عوامل خارجی است. با گسترش نفوذ ایالات متحده در منطقه، روابط ایران-پاکستان گرم‌تر شده است. ایران و پاکستان بر سر مسائل افغانستان در تعارضند. اما تغییر رژیم سیاسی در افغانستان، عامل محرکی در روابط ایران-پاکستان و رابطه ایران - هند تلقی می شود.

بی ثباتی بین المللی پاکستان و اختلافات پاکستان و هند بر سر کشمیر و جنبش‌های جدایی طلبانه در ایالت بلوچستان و نقش بازیگران غیر دولتی در پاکستان، امنیت خط لوله را به خطر انداخته است. از این رو هند با عبور خط لوله از سرزمین پاکستان مخالف است. از منظر ژئوپولیتیکی بعید به نظر می رسد، هیچ تغییری در مواضع پاکستان در ارتباط با کشمیر و دیدگاه مسلمانان پاکستان در برابر هندوها ایجاد شود. بنابراین از منظر استراتژیکی عبور خط لوله از پاکستان منافع اقتصادی هند را به خطر می اندازد. اما ارزش استراتژیکی مشخص پروژه برای

پاکستان این است که هند نقش پاکستان در پروژه را غیر قابل تحمل می داند. بنابراین کشمکش‌های هند- پاکستان حل نشده باقی خواهد ماند. پس بعید به نظر می رسد هند با مسیر پاکستان برای خط لوله ایران- هند موافق باشد. در این خصوص مشارکت آژانس‌های چند جانبه از قبیل بانک جهانی و بانک توسعه آسیا برای سلامت و امنیت خط لوله پیشنهاد شده است.

پاکستان به طور مکرر هشدارهای هند برای به کارگیری روش حل و فصل مشاجره^۱ از طریق سازمان تجارت جهانی^۲ برای اتحاد دولت‌های آسیای جنوبی در سازمان منطقه‌ای سارک^۳ در لوای اصول قانونی سازمان تجارت جهانی را رد می کند. با توجه به این تجربه، هند با دقت بیشتری در انتخاب مسیر پاکستان برای پروژه خط لوله ایران - هند گام برخواهد داشت. اما منافع اقتصادی گسترده احداث خط لوله گاز، باعث شده که هند با عبور خط لوله گاز از طریق پاکستان ترغیب شود. از طرفی هند آگاه است که پروژه خط لوله نه فقط عوامل اقتصادی است بلکه عوامل استراتژیکی نقش مهمی در پروژه پیشنهادی ایفا می کند. این در حالی است که نگاه بسته ایران و پاکستان بر پروژه خط لوله توجه به واقعیت‌های اقتصادی و ژئواکونومی است.

هند با توجه به چالش‌ها و موانع پیش روی خط لوله در سرزمین پاکستان، خط لوله دریایی را ترجیح می دهد. گرچه توجه اقتصادی کمتری دارد، اما در عوض نقش پاکستان در پروژه کم‌رنگ خواهد شد. لذا عوامل خطر پذیری در خارج از پاکستان در پروژه کاسته خواهد شد. باید توجه داشت که مسیر خط لوله دریایی نیازی به پرداخت هزینه ترانزیت گاز از جانب هند به پاکستان ندارد. در نتیجه اختلاف هزینه بین دو گزینه تجهیزات گاز از ایران به هند در طولانی مدت اندک است.

نتیجه گیری

کاهش تنش‌های ژئوپولیتیکی، عملیاتی ساختن پروژه خط لوله زمینی گاز ایران- هند را

1- Dispute Settlement Mechanism (DSM)

2- World Trade Organization (WTO)

3- South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)

محتمل می‌کند. احداث خط لوله واجد برخی منافع اقتصادی برای سه کشور (ایران، پاکستان و هند) است، اما همکاری‌های اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند بازدارنده موانع سیاسی، ایدئولوژیک و چالش‌های ژئوپولیتیک بین ملت‌ها و دولت‌ها باشد. برای نمونه عضویت در سازمان تجارت منطقه‌ای سارک تنش بین هند و پاکستان در شبه قاره را کاهش نداده، همچنان که عضویت در سازمان همکاری اقتصادی اکو^۱ و اتحادیه همکاری منطقه‌ای آرسی دی^۲ سابق، تنش بین ایران و پاکستان را نکاسته است. هند دلایل محکمی در عدم اعتماد به پاکستان در خصوص عملیاتی شدن پروژه پیشنهادی دارد. منافع اقتصادی هند در پروژه خط لوله گاز ایران به هند در تضاد با منافع ژئواستراتژی پاکستان است. بنابراین پروژه خط لوله گاز ایران- هند با دشواری می‌تواند منافع پایدار هند و پاکستان را تأمین کند. در این باره بعید به نظر می‌رسد که هند نقش پاکستان در پروژه خط لوله گاز ایران- هند را بپذیرد. تضادهای ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک میان هند و پاکستان و تا حدودی با ایران، مسائلی را به وجود آورده که منافع تجاری سه جانبه را متأثر ساخته است.

واکاوای مناسبات سه جانبه هند- پاکستان- ایران نشانگر آن است که این سه کشور نمی‌توانند روابط ژئواکونومی مسالمت آمیزی را تجربه کنند، به این دلیل که مناسبات خود را اهداف سیاسی و دیدگاه‌های ایدئولوژیک محدود می‌کنند. موفقیت نسبی پروژه خط لوله گاز ایران- پاکستان- هند نیازمند حمایت و ضمانت‌های امنیتی صریح دولت پاکستان از همه کشورهای ذینفع است که این با استراتژی پاکستان در ارتباط با هند سازگار نیست. تنش‌های سیاسی میان کشورهای مذکور باعث شده که هند بر تداوم پروژه خط لوله از طریق دریا اصرار کند. این مقوله احتمالاً با ناخوشایندی ایران و پاکستان همراه خواهد بود.

در پایان چنین به نظر می‌رسد که تعدیل در تنش‌های بین هند و پاکستان نهایتاً موجب تسریع در اجرای این پروژه عظیم ژئوپولیتیک انتقال انرژی از مسیر پاکستان به هند خواهد شد.

1- Economic Cooperation Organization

2- Regional Cooperation Development

منابع

- ۱- اتوتایل، ژ. و همکاران، (۱۳۸۰)، «اندیشه های ژئوپولیتیک در قرن بیستم»؛ ترجمه محمد رضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۲- حافظ نیا، م. ر. (۱۳۸۵)، «اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک»، مشهد، پاپلی.
- ۳- طباطبایی، ز. (۱۳۸۳)، «تحلیل ژئوپولیتیکی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- کمپ، ج و هارکاو، ر، (۱۳۸۳)، «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه»، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- «ترازنامه انرژی»، (۱۳۸۳)، تهران، انتشارات وزارت نیرو.
6. BHP, «Iran-India gas pipe needs explicit Govt. Support», (16 January 2002), Iran Expert.
7. Diwanji, A.K., (2000), «Geo-political issues set to dominate proposed gas pipeline from Iran to India», Rediff, <http://www.rediff.com/business/2000/apr/13gas.htm>.
8. <http://www.bp.com/statisticalreview/2006>.
9. International Energy Agency (IEA), (2004), World energy outlook, Paris. OESD.
10. Naaz, F., (2001), «Indo-Iranian relations: Vital factors in the 1990s», *Strategic Analysis* XXV (2) 2001, 227-241.
11. Nanay, J., (2001), «Prospects for alternative export routes for Caspian oil: TurkeyIran, and China». *Middle East Economic Survey* (Nicosia: Cyprus), Vol. XLIV, No. 38 .
12. Pachauri, R.K., (2001), «On track with Teheran: Shift in India's West Asia strategy», *The Times of India*.
13. Pandian, S., (2005), «The political economy of trans-Pakistan gas pipeline project: Assessing the political and economic risks for India», *Energy Policy*, Vol. 33. (The Times of India).
14. Raman, B., (2001), «Liberalization, but not normalization, South Asia Analysis Group: Madras», Paper No. 272.

15. Samson. Paul., (2004), «Proposal Iran to India overland Gas pipeline: Project overview», India Oil & Gas Conference, Vice President, BHP Billiton. London ,Cambridge University Press.
16. Siddiqi, K. (2000), «*Indians lose interest in gas pipeline project*». Dawn London, Cambridge University, Press.
17. South Asia Regional Overview (2001), «Energy Information Administration», Washington.
18. Takin, M. (1999), «Iran seeks large volume of capital investment to boost upstream action», *The Oil and Gas Journal*, 13 September, Vol. 97, Issue 37. London, Cambridge University Press.
19. True, W.R. (1999), «Sub-sea pipe lay systems, repair tools advance», *The Oil and Gas Journal*, 6 September, Vol. 97, Issue 36, London, Cambridge University Press.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.